

بی کرانگی

تأملاتی دربارهٔ «من هستم»

روپرت اسپایرا

www.ketab.ir

مترجم
مینا درفشی

اسپیرا، روپرت، ۱۹۶۰-م. -Spira, Rupert, 1960	سرشناسه
بی کرانگی: تاملاتی درباره من هشتم / روپرت اسپایرا؛ مترجم مینا درفشی.	عنوان و نام پدیدآور
تهران: نشر پیله، ۱۴۰۱.	مشخصات نشر
۱۴۴ ص: ۵/۲۱×۵/۱۴؛ ۵/۲۱×۵/۱۴	مشخصات ظاهری
978-622-7620-26-9	شابک
فیبا	وضعیت فهرست نویسی
فارسی - انگلیسی.	یادداشت
عنوان اصلی: Meditation on I Am, 2021.	یادداشت
معنویت - شعر Spirituality -- Poetry	موضوع
معنویت Spirituality	
درفشی، مینا، ۱۳۴۰ -، مترجم	شناسه افزوده
PR	رده بندی کنگره
۸۲۱/۹۱۴	رده بندی دیویی
۸۸۱۲۷۶۱	شماره کتابشناسی ملی
فیبا	اطلاعات رکورد کتابشناسی

بی کرانگی؛ تاملاتی درباره «من هشتم»



نویسنده: روپرت اسپایرا

مترجم: مینا درفشی

ناشر: پیله

نوبت و سال نشر: اول ۱۴۰۱

ناظرچاپ: مهدی سببانی

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: نقش آور

صفحه آرا: قاسمی (رها)

تیراژ: ۱۰۳۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۶۲۰-۲۶-۹

آدرس دفتر نشر: مقابل دانشگاه تهران خیابان لبافی نژاد، شماره ۲۱۶ طبقه ۱

تلفن: ۰۹۱۲-۳۸۷۶۲۵۹ - ۶۶۴۴۸۱۶۴۱ - ۶۶۹۵۰۸۷۱



مرکز پخش: خیابان انقلاب، خ ۱۲ فروردین، خ ژاندارمری غربی، پلاک ۹۵، پخش کتاب آثار

تلفن دفتر پخش: ۰۲۱-۶۶۴۶۲۲۹۱ - ۶۶۴۶۰۲۳۳

هرگونه نقل، استفاده و اجرای تمام یا بخشی از این کتاب منوط به اجازه‌ی کتبی ناشر است.

فهرست

۹.....	مقدمه مترجم
۲۱.....	مقدمه
۳۳.....	من هستم
۱۴۱.....	پایان سخن

www.ketab.ir

مقدمه مترجم

مکاشفه نوعی آگاهی حضوری است که فرد مکاشف لحظاتی چند آن را تجربه می‌کند و با اتصال به منبع هستی، حقیقتی از حقایق جهان هستی را ادراک می‌کند و سرمست از لذت آگاهی می‌شود. باران این لحظات شگفت‌آور بدون تبعیض بر سر همه می‌بارد و نسیم معطر آن به مشام همه می‌رسد. خیرخواهی هستی همه موجودات را در بر می‌گیرد و بخشش آن تمامی ندارد. خورشید همواره طلوع می‌کند و هر موجودی از درخشش آن بهره می‌برد. شوربختی آنجاست که غفلت و بی‌اعتنایی یا کاملاً مانع از فهم و پذیرفتن مطلق هدایای هستی می‌شود یا از استمرار آن جلوگیری می‌کند. از این رو، از طریق مراقبه باید خود را در معرض تابش خورشید هستی قرار داد و پذیرای انوار آن شد و برای تداوم این مواهب عزم را بر نیازی ژرف و راستین به بهره‌مندی از آگاهی ناب و برین جزم کرد. در این حال و هواست که به تدریج سراسر زندگی آکنده از انوار آن می‌شود و انسان انعکاس آنها را در وجود خود مشاهده می‌کند، سپس درمی‌یابد این خود اوست که نه تنها آیینۀ تمام نمای هستی بلکه متحد با هستی است.

پرسش مهم این است که آیا این رخداد معنوی از درون انسان

سرچشمه می‌گیرد یا از رویارویی او با هستی بیرون از خود؟ پاسخ را در ابیات مشهور منتسب به امیر عارفان مولا علی علیه‌السلام جست‌وجو می‌کنیم.

داروی تو درون توست و نمی‌دانی

دوای تو از توست و نمی‌بینی

و گمان می‌بری تو جرم کوچکی هستی

درحالی که جهانی بزرگ در تو پیچیده شده

و تو کتاب بیان‌کننده‌ای هستی که

با حروفش هر پنهانی آشکار می‌شود

در این نگرش، هستی همچون طوماری درون انسان در هم پیچیده-

شده و بیرون از او نیستند او قادر است با شور عشق و نیاز به آگاهی ناب طومار را بگشاید، جهان هستی را درون خود به تماشا نشیند، در آن سیر کند، در فنا ناپذیری غوطه‌ور شود و در ابدیت زیست کند. همچنین مشاهده کند خود او کتابی است که با هر واژه‌اش پرده از هستی پنهان هر واقعیتی برمی‌دارد و اوست که هر پنهانی را برای آگاهی برین آشکار می‌سازد.

شگفتی و تناقض‌نمابودن عبارت منسوب به ایشان در این است که

چگونه انسان هم خود است هم جهان هستی، هم من است هم دیگری؟

چگونه انسان در آئینه هستی خود را می‌بیند و هستی نیز خود را در آئینه

انسان مشاهده می‌کند، در واقع چگونه در من دیگری را و در دیگری من را

می‌بیند؟ در عبارت مولای عارفان بر «این‌همانی» نهفته در «این‌نه‌آنی» یا

«یگانگی» پنهان در «دوگانگی» بین انسان و هستی تصریح شده است.

قیصری در مقدمه شرح خود بر فصوص‌الحکم محی‌الدین ابن عربی-

بنیانگذار عرفان نظری- در بیان آموزه عرفانی «جهان هستی همان صورت

حقیقی انسانی است»^۱ در واقع اشاره به این همانی، نادوگانگی، یا وحدت انسان و هستی دارد.

پس به صورت عالم اصغر تویی

پس به معنی عالم اکبر تویی^۲

بنابراین، چیزی بیرون از انسان وجود ندارد تا در مواجهه با آن آگاهی حاصل شود. هر آنچه هست در درون انسان وجود دارد و او فقط باید درون خود را بکاود. مولوی درباره همین مسئله می‌گوید^۳

ای نسخه اسرار الهی که تویی

وای آیینۀ جمال شاهی که تویی

بیرون تو نیست هر چه در عالم هست

از خود بطلب آنچه خواهی که تویی

همچنین مباحث نظری ابن عربی درباره حضرات خمس یا عوالم پنج‌گانه حاکی از آن است که حضرت پنجم عالم انسان کامل است که جامع عوالم چهارگانه غیب مطلق (اعیان ثابته در حضرت علمی)، ارواح جبروتی و ملکوتی (عالم عقول و نفوس مجرد)، مثال، و شهادت مطلق (عالم ملک یا غیب مضاف) است.^۴ از نظر ابن عربی، عوالم هستی درون هستی انسان و متحد با اوست و او تنها موجود لایق این گستردگی و

۱. مقدمه شرح قیصری بر فصوص الحکم، داود بن محمود قیصری، مترجم سید حسین سید موسوی، انتشارات حکمت، تهران، چاپ سوم، ۱۳۹۸، صص ۱۱۰-۱۰۶.

۲. مثنوی، دفتر چهارم، بیت ۵۲۱.

۳. همان، رباعی شماره ۱۷۵۹.

۴. مقدمه شرح قیصری، صص ۸۳-۷۶؛ و ر.ک فصوص الحکم، ابن عربی، فص حکمت الهی در کلمه آدم، (مبحث کون جامع بودن انسان)، تعلیق ابوالعلا عقیفی، انتشارات الزهراء، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۶، صص ۴۸ و ۴۹.

سعهٔ وجودی است. هر انسانی با مراقبه و کشف خود به کشف و شناخت مراتب هستی خود که عین عالم خارج است می‌رسد. هستی را جلوهٔ اسمای الهی و خود را جامع همهٔ اسما می‌بیند، صاحب جلوه - خداوند - را می‌شناسد، همچون قطرهٔ آب به دریای بی‌پایان الهی می‌پیوندد و غیر از خداوند چیزی را لایق حقیقت، استقلال و اصالت نمی‌بیند. به عبارتی، با این مشاهده و درک شهودی حاکمیت حقیقت مطلق (یا ذات هستی) و استغراق موجودات را در او می‌بیند و با این آگاهی متعالی در حق فانی می‌شود و خویشتن خویش را از دست می‌دهد و در سیطرهٔ وحدت جاودانه می‌ماند.

حقیقتی که مولوی دریافته و از سرچشمه بر جان او باریدن گرفته در قالب کلام صریح و نافذ و بدون واسطه به تشنگان حقیقت هدیه داده شده است تا ما را از این واقعیت خبر دهد که دنیا در ما است نه ما در دنیا.^۱

باده از ما مست شد نی ما از او

قالب از ما هست شد نی ما از او

مولوی دربارهٔ ظرفیت فراگیر انسان در برابر سایر موجودات می‌گوید^۲

آن گشادیشان کز آدم رو نمود

در گشاد آسمانهاشان نبود

در فراخی عرصهٔ آن پاک جان

تنگ آمد عرصهٔ هفت آسمان

گفت پیغمبر که حق فرموده است

من نگنجم هیچ در بالا و پست

۱. مثنوی، بیت ۱۸۱۲.

۲. همان، ابیات ۲۶۵۵-۲۶۵۱.